



تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۸	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۱۷
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان ۲	عدل سیاسی			
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت			
عنوان ۶	بحث سوم: حق تملک بانوان			
عنوان ۷	بخش دوم: اختیار تصرف بانوان در اموال خود			

بحث ما دربارهٔ اختیارت زن در تصرف مال خویش پایان رسید و طی بررسی هفت دسته از روایات به این نتیجه رسیدیم که بر اساس روایات، زن اختیار تصرف در مال خویش را دارد و نه تنها حق مالکی داشته و مالک می شود، بلکه حق تصرف مطلق در مال خویش دارد و نه زوج و نه پدر و نه دیگری، حق ندارد در مال زن بدون اذن آن تصرف کند. بحث امروز در مطلب سوم در رابطه با حدود مالکیت زن است که محدودیت های تصرفات زنان در اموال خویش است.

محدودیتی که به طور مسلم برای زن در اموال خود وجود دارد، همان محدودیت های کلی و عمومی است که همگان (چه مرد و چه زن) حق تصرف اموال خود در آن جهت را ندارند؛ مانند صرف مال در محرمات و صرف مال در اضرار به غیر و موارد اسراف و ... بحث در این است که افزون بر آن محدودیت های عمومی، برای خصوص زنان در تصرف در اموالشان در شرع محدودیتی وجود دارد یا خیر؟

در این زمینه دو دسته از روایات وجود دارد؛ البته می توان گفت یک دسته؛ دسته دوم از باب احتمال است یعنی ممکن است کسی از روایات دسته دوم نیز محدودیتی را استفاده کند.

دسته اول از روایاتی که ظهور در محدودیت تصرف زن در اموال خود بدون اذن زوج دارند، روایاتی است که در تصرف زن در مال خود در هبه کردن، صدقه دادن، عتق رقبه، نذر و ... مستحباتی از این قبیل که موجب هزینه کرد مال زن در برخی مستحباب که در روایات آمده می شود وارد شده است. ممکن است کسی از این روایات، محدودیت تصرفات زن در برخی از زمینه هایی که برای مرد تصرف در آن مباح است را استفاده کند. روایاتی که در این زمینه آمده است، چند روایت است که آنها را بیان می کنیم:

روایت اول، صحیحہ عبدالله بن سنان است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَتَقٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا تَدْبِيرٍ^۱ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بَرٍّ وَالدِّيَّانِ أَوْ صَلَاقَاتِهَا»^۲؛

ممکن است از این روایت استفاده شود زن برای تصرف مال خود در این چند موردی که در روایت آمده است، نیاز به اذن شوهر دارد البته از این روایت نمی‌توان عموم استفاده نمود و محدود می‌شود به این چند موردی که در روایت آمده است.

همچنین مرسله جمیل بن دراج:

«عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا فِي الْمَرْأَةِ تَهَبُ مِنْ مَالِهَا شَيْئًا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا قَالَ لَيْسَ لَهَا»^۳؛

روایت سوم، صحیح‌ه ابی بصیر است که در ضمن آن چنین آمده است:

«لَا تُعْطَى شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۴؛

عبارت «لَا تُعْطَى» ظهور در هبه و صدقه و امثال آن دارد.

مشهور فقها این روایات را بر کراهت تصرف زن در مال خود بدون اذن زوجه حمل کرده‌اند؛ لذا خود صاحب وسائل نیز عنوان این بابی که این احادیث را آورده، چنین عنوان داده است: «بَابُ كَرَاهَةِ تَصَرُّفِ الْمَرْأَةِ فِي مَالِهَا وَاتِّفَاقِهَا مِنْهُ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي الْوَاجِبِ وَحُكْمِ النَّذْرِ».

وجه این حمل این است که از روایاتی که در گذشته بیان کردیم مخصوصاً روایاتی که در تفسیر آیه کریمه «وَأَتَوَا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُنَّ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا»^۵ نقل کردیم که در آن روایات چنین آمده بود که مرد هیچ حقی در مال زن ندارد؛ مثلاً در موثقه سماعه چنین آمده بود:

«سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» قَالَ يَعْنِي بِذَلِكَ أَمْوَالَهُنَّ الَّتِي فِي أَيْدِيهِنَّ مِمَّا يَمْلِكْنَ»^۶؛

و امثال این روایت که در قبل خواندیم و حتی آن روایت امامه را که خواندیم که نمی‌توانست صحبت کند و امام حسن و امام حسین علیه السلام نزد او آمدند و او به عتق بردگان خود وصیت کرد و از روایت استفاده می‌شد که شوهر او نیز راضی نبود: «فَجَعَلَا يَقُولَانِ وَالْمُعِيرَةُ كَارُهُ لِمَا يَقُولَانِ، أَعْتَقْتُ فُلَانًا وَأَهْلَهُ، فَتَشِيرُ بِرَأْسِهَا أَنْ نَعَمْ». و همچنین از عمومات

۱. مراد از تدبیر، مدبر کردن عبد است که اگر مالک برده بخواهد برده‌اش را به این شکل آزاد کند که بگوید: «انت حر بعد مماتی»؛ این تدبیر است.

۲. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب النفقات، باب ۵، ح ۱.

۳. همان؛ ح ۲.

۴. همان، ابواب مقدمات النکاح، باب ۷۹، ح ۳.

۵. سوره نساء: ۴.

۶. وسائل الشیعة؛ کتاب التجارة، ابواب ما یکتسب به، باب ۸۱، ح ۲.

«لا یحل لأحد التصرف فی مال غیره الا باذنه» و... در مجموع استفاده می شود که دیگری حق در تصرف در مال مالک را ندارد؛ از اینکه حق تصرف ندارد، حق عدم منع نیز استفاده می شود؛ زیرا یک نوع از تصرف این است که مالک را از تصرف در مال خود منع کرده و محدودیت ایجاد کند؛ بنابراین همانطوری که حق تصرف ندارد، به دلالت التزامی، حق منع نیز ندارد؛ لذا به قرینه این روایات، اگر چنین گفته شد که «لَیْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَقْتٍ وَلَا صَدَقَةٍ...»، دلالت بر کراهت دارد. وجه جمع بین این روایات و روایاتی که تأکید بر عدم جواز تصرف زوج در مال زوجه دارد، حمل این دسته از روایات به کراهت است.

نکته کراهت نیز معلوم است و می شود از آن نکته عقلی استفاده نمود که شارع نمی خواهد توان مالی خانواده کم بشود؛ زیرا نهی در این روایات، نهی در هزینه هایی در افعال مستحبه است که شارع دوست ندارد که این افعال مستحبه، توان اقتصادی خانواده را کم کند؛ لذاست که به نظر می رسد این وجه جمع، وجه جمع درستی است.

دسته دوم از روایات، روایاتی است که با عبارت «بیت زوجها» وارد شده است؛ یعنی می فرماید: «لَیْسَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَوْتِيَ مِنْ بَیْتِ زَوْجِهَا بِغَیْرِ اِذْنِهِ»^۱ که از این روایات مأدوم استفاده شده؛ یعنی غذای روزانه؛ در روایات آمده است که سوال شد که زن چه مقدار اختیار دارد که از بیت زوجش انفاق و تصرف کند؛ روایت چنین است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصَدَّقَ مِنْ بَیْتِ زَوْجِهَا بِغَیْرِ اِذْنِهِ قَالَ الْمَأْدُومُ»

یعنی به اندازه غذای روزانه، را می تواند بدون اذن به فقیر بدهد.

در این روایات عبارت «بیت زوجها» آمده است و ظهور دارد که تصرف در مال زوج بدون اذن او مشروع نیست و این طبق قاعده بوده و خارج از محل بحث ماست و شامل مال زن نمی شود.

بنابراین از مجموع روایات باب نتیجه می گیریم که نه تنها زن حق مالکیت دارد؛ بلکه علاوه بر مالکیت، حق تصرف در مال خود را نیز داراست و این حق تصرف، محدود و متوقف بر اذن زوج نیست مطلقاً؛ البته برای حفظ انسجام خانواده و حفظ توان اقتصادی خانواده، مکروه است زن در مال خودش بدون اذن شوهر، اینگونه افعال مستحبه مانند صدقه، نذر، عتق، تدبیر و نذر انجام دهد.

و صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. روایات آن در باب ۸۲ از ابواب ما یکتسب به کتاب وسائل الشیعة آمده است.